

حلقه طلاب جوان انقلابی بر گرد رهبری

## «طلبه انقلابی» طعنه بود!

گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین غلامرضا اسدی



غلامرضا اسدی، متولد ۱۳۱۹ در ارسک، واقع در خراسان جنوبی است و در بشرویه، فردوس، مشهد و قم درس خوانده است و امروز مسئولیت بازرسی آستان قدس رضوی را بر عهده دارد. او از روحانیون مبارزی است که در سال ۱۳۴۶ با رهبر انقلاب آشنا شده و در حلقه طلاب انقلابی همراه ایشان قرار گرفت و سال‌ها رنج زندان در شکنجه‌گاه‌های رژیم ستم‌شاهی را تحمل کرده است.

### سکوی تبلیغاتی طاغوت در حوزه

روشن‌فکری و نیز تشکیلاتی که سیدحسن ابطی در مسجد امام‌زمان و ولیعصر (عج) راه انداخته بود و نشریه‌ای با عنوان «پرسش و پاسخ» نیز منتشر می‌کرد. بعضی بیوت نیز پایگاه مهمی در مشهد داشتند و در جریان مبارزه و فعالیت سیاسی موانعی ایجاد می‌کردند.

### تحریک طلاب و درس‌های صلواتی!

خط امام در آن روز مشهد، در سه شخصیت متبلور بود؛ حضرات آیات خامنه‌ای، هاشمی‌نژاد و واعظ‌طیلسی که همواره مورد حمله مرتجعین و آخوندهای وابسته به رژیم بودند. اتهام آن‌ها این بود که طلاب جوان را تحریک می‌کنند و باعث تعطیلی دروس در مراسم خاص و برنامه‌های مبارزاتی می‌شوند. گاهی هم اگر مدرسی در سش را تعطیل نمی‌کرد، طلاب انقلابی پای درسش می‌رفتند و جلسه درس را «صلواتی» می‌کردند! چنین اتفاقی برای بعضی وعاظ و منبری‌های طرفدار رژیم هم پیش می‌آمد!

### تجلیل جلال

پس از درگذشت جلال‌آل احمد، مجلس ترحیمی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای و سایر طلاب و فضایی انقلابی در مسجد ملاهاشم برگزار شد که شهید هاشمی‌نژاد در آن به سخنرانی پرداختند و اطلاعیه ترحیمی نیز منتشر شد. این کارها، به ویژه تجلیل از یک روشنفکر انقلابی، در آن دوران چندان موردپذیرش عموم حوزویان نبود!

### از مسجد کرامت: تا تفسیر انقلابی

آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت، سبک جدیدی از تبلیغ را بنا گذاشتند؛ در دورانی که بسیاری از روحانیون

جو غالب حوزه علمیه آن روز را با عنوان مرتجعین و متحجرین می‌شناختیم که با هرگونه حرکت سیاسی و تعرض به نظام، مخالفت می‌کردند. روحانیون و وعاظ وابسته به رژیم نیز فعالیت داشتند؛ نظیر مجمع محدثین که افرادی چون محمدرضا نوغانی، شیخ محمد محدث و امثال آن‌ها را امکانات اوقاف و آستان قدس استفاده می‌کردند و حتی از جانب ساواک نیز پشتیبانی می‌شدند. این گروه، سکوی تبلیغاتی رژیم، علیه روحانیت مبارز و عناصر انقلابی طرفدار خط امام بودند. بخشی از منبری‌های سطح شهر نیز در قالب مجمع وعاظ، تحت‌نظر یک کارمند وابسته به ساواک در اوقاف به رژیم خدمت می‌کردند.

### مدیریت وابسته و اخراج طلاب انقلابی

ریاست حوزه علمیه در دست میرزا احمد کفایی، عنصر وابسته به رژیم بود که همیشه در صف اول استقبال از شاه در حرم حاضر بود. علاوه بر این، انجمن حجیه در مشهد از حمایت و پشتیبانی کامل رژیم برخوردار بود و با تمام قدرت فعالیت داشت. در این فضا طلاب دارای تحرک سیاسی و انقلابی از مدارس علمیه اخراج می‌شدند. مدارس علمیه‌ای هم بودند که گرچه طرفدار رژیم نبودند، اما خط‌مشی غیرسیاسی داشتند و از طلاب تعهد می‌گرفتند که در امور سیاسی دخالت نکنند. ساواک در مشهد از قدرت و اقتدار فراوانی برخوردار بود و هرگونه تحرکی را به‌وسیله عناصر نفوذی حوزوی شناسایی و سرکوب می‌کرد.

هم‌چنین بعضی مساجد خاص، طلاب و دانشجویان جوان را به خود جذب می‌کردند؛ مثل برخی محافل

داودی، صادقی، هاشمی‌گنابادی، سبحانی، صادقی (امام‌جمعه گناباد) و غیره از آن جمله بودند که بعضی بارها دستگیر شده و به زندان رفتند. این جمع تحرک سیاسی داشتند و مثلاً اعلامیه‌های امام را به مشهد منتقل می‌کردند و پس از حروف‌چینی و تکثیر، با کمک سایر طلاب در سطح شهر و استان منتشر می‌کردند. این جلسات تا تبعید آقای خامنه‌ای به سروان در سال ۱۳۵۶ ادامه داشت.

### سخنرانی به سبک یک ممنوع‌المنبر!

پس از تعطیلی جلسات ایشان در مساجد، جلسه‌ای اعتقادی در قالب شرح باب حادی‌عشر برای طلاب در پایین‌خیابان برگزار می‌کردند و باید گفت هیچ ممنوعیت و محدودیتی نمی‌توانست مانع از فعالیت ایشان شود. حتی در زمانی که ساواک ایشان را ممنوع‌المنبر کرده بود، ایشان ایستادگی نشسته سخنرانی می‌کرد تا با این شیوه بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند!

طلاب عضو این حلقه‌ها و سایر طلاب انقلابی مرتبط در مناسبت‌های تبلیغی به شهرها و مناطق مختلفی می‌رفتند و حتی در طول سال نیز بسیاری از آخر هفته‌ها را به تبلیغ در شهرهای دوردست اختصاص می‌دادند. گاهی برای تبلیغ در مراسم شب‌جمعه و صبح جمعه در استانی دیگر، از روز چهارشنبه حرکت می‌کردند و بلافاصله برمی‌گشتند تا درس صبح‌شنبه را از دست ندهند.

### تشکیلات طلاب انقلابی

تشکیلات این حلقه‌ها در این حد بود که طلاب به صورت سلسله‌مراتبی، در سطوح مختلف به صورت غیررسمی با هم مرتبط بودند. یعنی هریک از طلاب با عده‌ای دیگر در ارتباط بودند و جلسات یا دروسی را برای آن‌ها برگزار می‌کردند. یعنی همان‌گونه که ما در جلسات آیت‌الله خامنه‌ای شرکت می‌کردیم، خود نیز جلساتی نظیر درس نهج‌البلاغه برای طلاب جوان‌تر برگزار می‌کردیم. البته آن‌ها هم از ارتباطات ما آگاه بودند و در بعضی فعالیت‌ها مثل پخش اطلاعیه نیز همکاری داشتند. این گروه قبل از انقلاب هیچ‌گاه

فقط نماز جماعتی می‌خواندند و پس از نماز هم عبايشان را به سرشان می‌کشیدند و می‌رفتند، ایشان از قبل نماز به مسجد می‌آمدند و به سؤالات مردم پاسخ می‌دادند و پس از نماز نیز به بیان مفاهیم قرآن می‌پرداختند تا مردم را با فرهنگ اسلام آشنا کنند. در همان ایام ایده راه‌اندازی درس تفسیر قرآن در حوزه را مطرح کردند و با تعدادی از طلاب مرتبط، از جمله شهید کامیاب و آقایان سبحانی، داودی، سیدهادی خامنه‌ای و تعدادی دیگر، در مسجد صدیقی‌ها راه افتاد. آقایان فرزانه، عجم، موسوی قوچانی و دیگران هم به این جمع ملحق شدند. ایشان از همان ابتدا می‌فرمود که به دنبال کثرت جمعیت نیست و گرچه با تعدادی اندک آغاز شد، اما به سرعت مورد استقبال طلاب جوان انقلابی و شجاع قرار گرفت؛ تا جایی که این مسجد گنجایش این درس را نداشت و به شیستان مدرسه میرزا جعفر منتقل شد و از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ ادامه یافت. جلسه تفسیر در پی درگیری طلاب با عمال ساواک در مدرسه میرزا جعفر تعطیل شد. جلسه تفسیر دیگری هم پنج‌شنبه‌ها در مسجد امام حسن (ع)، البته برای دانشجویان برگزار می‌کردند.

### حلقه‌ای برای سیاست

آیت‌الله خامنه‌ای در فکر این بودند که مجموعه‌ای از طلاب فاضل و انقلابی را دور هم جمع کنند و برای همین منظور، درسی را به صورت مخفیانه در منازل برخی دوستان برگزار می‌کردند که تحلیل‌های سیاسی، شناخت مکاتب سیاسی و اجتماعی، غرب و شرق شناسی و امثال آن در این جلسات دنبال می‌شد. روش آموزشی ایشان بدین‌گونه بود که ابتدا مسئله‌ای مثل تعریف غرب، سوسیالیسم، امپریالیسم و غیره را مطرح می‌کردند و از افراد می‌خواستند برداشتشان را نسبت به آن مسئله بنویسند یا بیان کنند. سپس به ارزیابی و جمع‌بندی نظرات می‌پرداختند و در نهایت بحث مبسوط خود را ارائه می‌دادند. حدود ده تا بیست نفر در این جلسات حضور داشتند؛ نظیر آقایان فرزانه،